

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۰۳

۶ اردیبهشت ۱۳۸۱

۲۶ آوریل ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

اول مه (۱۱ اردیبهشت)، خیابانها مال ماست!

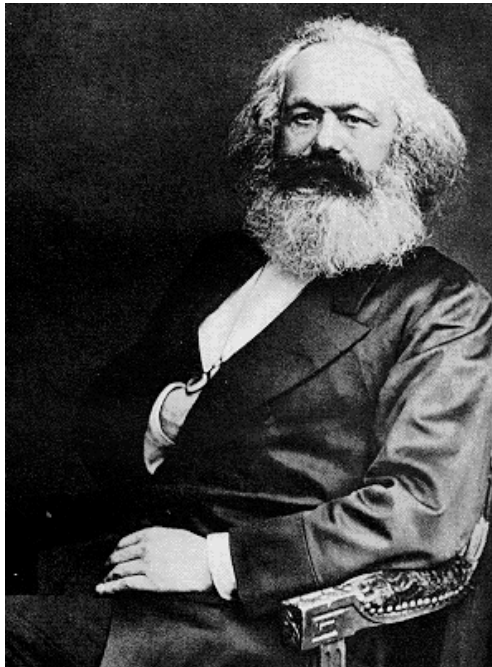
کارگران، معلمان، جوانان، زنان آزادیخواه!

۱۱ اردیبهشت را به روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، به روز اعتراض علیه فقر و بیکاری و تبعیض، به روز اعتراض علیه حکومت اسلامی سرمایه داران تبدیل کنید. هر چه وسیعتر به خیابانها بیایید و فریاد بزنید:

مرگ بر سرمایه داری، عامل فقر و بیکاری
زنده باد آزادی، رفاه، برابری
مرگ بر تبعیض و نابرابری
کارگران جهان متحد شوید!
زنده باد آزادی تجمع، تشکل، اعتصاب
کارگر، معلم، اتحاد اتحاد

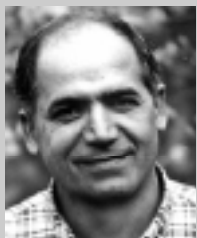
زنده باد اول مه
روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران
اردیبهشت ۱۳۸۱، مه ۲۰۰۲



روز اول مه، مارکس را به خیابانها بیاوریم!

صفحه ۴



با تمام قوا بسوی اول مه گفتگو با اصغر گرمی

صفحه ۲



روز کارگر، یک فرصت دیگر برای ما

صفحه ۴

زنده باد اول مه روز اتحاد جهانی کارگران



رابطه با آمریکا: "تابو" یا "جام زهر"؟!

"فرانسه علیه لوپن به نفع شیراک"!



مصطفی صابر

دوم خردادی ها جسارت به خرج داده از شکستن "تابوی" مذاکره با آمریکا سخن میگویند. شجاعت حضرات جناح همیشه "مظلوم"، البته از آن جهت است که برخی اخبار غیر رسمی در ایران و آمریکا حاکی از آنست که اخیرا مذاکراتی پنهانی بین دو طرف در جریان بوده است. علیرغم تکذیب رسمی، سخنان اخیر رفسنجانی، اشارات

صفحه ۳



حسین مردابیگی

روز یکشنبه گذشته در دور اول انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، نامزد حزب سوسیالیست، ژوسپین، از دور خارج شد، ژان ماری لوپن لیبر فاشیست راست افراطی (جبهه ملی) و ژاک شیراک (گلیست) از جناح راست به دور دوم آن راه یافتند. ظرف دو هفته آینده قرار است مردم فرانسه از میان این دو نفر یکی را بعنوان رئیس جمهور کشور فرانسه انتخاب کنند! راه یافتن لوپن به دور دوم این انتخابات نه تنها افکار عمومی بلکه دولتهای

صفحه ۳

اعتراضات کارگری

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

با تمام قوا بسوی اول مه

گفتگو با اصغر گرمی درباره اول مه

هفتگی: در آستانه اول مه روز اتحاد جهانی کارگران هستیم. توصیف شما از اول مه و اهمیت و جایگاه آن در جنبش طبقه کارگر چیست؟

اصغر گرمی: اول مه روز اتحاد و همبستگی جهانی کارگران، روز اعلام کیفرخواست کارگران علیه نظام سرمایه داری است که به ابتکار کمونیستهای انترناسیونال دوم برای اولین بار در سال ۱۸۸۹ در مجمع موسس آن انترناسیونال تصویب شد. تا زمانیکه جنبش کمونیستی در سطح جهانی قدرتمند بود، اول مه هم فرصتی برای این گرایش بود که اتحاد را در صفوف کارگران تقویت و تفرقه را تضعیف کند. و آنچنان از قدرت بسیجی برخوردار بود که به بورژوازی هم تحمیل شد و تعطیلی اول مه در برخی کشورها برسمیت شناخته شد. عدلیرغم تعرضات گسترده ضدکمونیستی، علیرغم سرکوبها و ممنوعیت ها با اینهمه طبقه کارگر در تقاضای شرایطی انسانی تر برای زندگی خود و در مقاطع مختلف، از اول مه برای گردآوری نیرو علیه شرایط غیر انسانی حاکم استفاده کرده است. با اینهمه تلخی مساله این است که امروز در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله در کشورهای اروپایی بدلیل خلاء یک جنبش کمونیستی و احزاب کمونیستی کارگری قوی، اول مه به روز بسیج کارگران، هرچند درصد پائینی از آنها، توسط احزاب سوسیال دمکرات برای رقابت با سایر احزاب بورژوازی تبدیل شده است. جای آرزوهای کمونیست را وزرای سوسیال دمکرات و در بهترین حالت روسای سوسیال دمکرات اتحادیه ها تصاحب کرده اند تا در باب منافع ملی و بورژوازی خودی علیه غیرخودی وراجی کنند. صفوف راهپیمایی های اول مه در این کشورها به هرچیز شبیه است جز یک صف متحد کارگری، جز صفی معترض به نظام سرمایه داری. در نتیجه رونقی هم ندارد. تغییر این وضعیت در گرو شکل گیری یک رادیکالیسم قدرتمند در درون طبقه کارگر و پیدایش احزاب کمونیستی کارگری است. در سالهای اخیر با به چپ چرخیدن دنیا، جنب و جوش تازه ای هم در اول مه ها شکل گرفته است و هر سال در حال گسترش است اما هنوز تا شکل گیری یک صف مستقل و رادیکال کارگری که به سهم خود رادیکالیسم را در فضای سیاسی جامعه تقویت کند خیلی فاصله است. بهررو این روز تاریخا مال کارگران و علیه

سرمایه داران بوده است که بتدریج در بسیاری کشورها توسط بورژوازی تصاحب شده، از محتوای انقلابی و کارگری آن تهی شده، و برعلیه خود کارگران بکار گرفته میشود. این وضع را باید بهم زد.

هفتگی: حزب کمونیست کارگری ایران، امسال هم فعالیتهای مختلفی بمناسبت اول مه در دستور کار دارد. قبل از پرداختن به فعالیتهای سیاسی حزب در اول مه امسال، لطفا ابتدا درباره موقعیت طبقه کارگر، وضعیت جمهوری اسلامی و تفاوتی که امروز نسبت به سالهای گذشته برای برگزاری مراسمهای اول مه وجود دارد توضیح دهید.

اصغر گرمی: امسال در مقایسه با سال قبل جمهوری اسلامی ضعیف تر است، توان سرکوش پائین تر است، نهادهای ضدکارگری رژیم مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی در میان کارگران منزوی ترند، ناراضیاتی، خشم و عصبانیت و روحیه اعتراضی در میان کارگران بالاتر است، تحرك مبارزاتی بالاست و در نتیجه زمینه برای برپایی یک اول مه قدرتمند و رادیکال از همیشه مساعدتر است. خانه کارگر بعنوان یک تشکل دولتی هر سال اول مه تجمعاتی برگزار میکند تا تحركات کارگری را مهار کند و جلو گسترش آنرا بگیرد. در نتیجه ضمن اینکه بر ناراضیاتی های کارگری معین و محدودی انگشت میگذارد و مطالبه ای را مطرح میکند که از قافله عقب نماند اما تماما در چهارچوب جمهوری اسلامی و در دفاع از آن است، سعی میکند تجمعات کارگری محدود باشد تا از کنترل آن توسط مسئولین خانه کارگر و "برادران سپاه" خارج نشود، علیه کارگران افغانستانی مقیم ایران تبلیغات فاشیستی میکند و تماما دولتی و ضدکارگری است. امسال میدانند که تحرك کارگران بالا است، میدانند که توده انبوه معلمان نیز که بخش اعظم آنها به صفوف طبقه کارگر تعلق دارند، یک نیروی اول مه خواهند بود و شرکت آنها در تجمعات اول مه فضا را رادیکال تر میکند، در نتیجه هم باید کاری بکنند و جلو بیفتند و هم بشدت باید مراقب باشند که کنترل از دستشان خارج نشود. به همین دلیل نسبت به سالهای قبل بیشتر احتیاط میکنند. امسال قبل از

طرح هر مطالبه ای تمرکزشان را بر مخالفت با گلویلیزه کردن اقتصاد جهانی گذاشته اند. صرفنظر از جنبه های ناسیونالیستی و ارتجاعی این موضوع، این موضوعی است که در شرایط کنونی ایران کمتر از هر چیز دیگری بسیج کننده است. اینترنا خودشان هم میدانند. یک هدف آنها این است که اذهان را بجای جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری متوجه مساله جهانی شدن بکنند و مشقات و بیحقوقی های کارگران را به گردن گلویلیزه شدن بیندازند. این فقط نشان میدهد که چگونگی از پتانسیل بالای اعتراضی وحشت دارند. در چنین شرایطی محافل پیشرو کارگری و نیز معلمان رادیکال میتوانند یک صف مستقل و قدرتمندی را در اول مه ایجاد کنند. باید دید تا چه حد این آژادگی و تشخیص موقعیت وجود دارد.

هفتگی: در اطلاعاتی که حزب دو شعار "اول مه خیابانها مال ماست" و "اول مه مارکس را به خیابانها بیاوریم" چکیده سیاستهای حزب را در برگزاری اول مه برترتیب در داخل ایران و خارج ایران بیان میکنند. لطفا در مورد آنها توضیح دهید.

اصغر گرمی: تلاش ما این است که در داخل ایران تعداد هرچه بیشتری از کارگران در اجتماعات اول مه شرکت کنند. تا توازن قوا را به نفع خود تغییر دهند و این مستقیما بر میزان رادیکالیسم و طرح شعارهای مستقل و متحدکننده کارگران نیز تاثیر خواهد داشت. تعداد شرکت کنندگان هرچه بیشتر باشد دست نیروهای سرکوب حکومت در جلوگیری از این تجمعات بسته تر خواهد بود و بعلاوه امکان دخالت عوامل ضدکارگری و مقامات حکومت کمتر خواهد شد. برای اینکار در کمپین تبلیغی که از هفته های قبل شروع کرده ایم بر شرکت هرچه بیشتر کارگران و خانواده های آنها، بر شرکت گسترده معلمان و نیز مردم آزادیخواه و بر شعارهای متحدکننده و رادیکال تاکید میکنیم. طبقه کارگر این توان را دارد که علاوه بر بسیج صفوف خود، اعم از شاغل و بیکار و زن و مرد، پرچم آزادی و رهائی مردم آزادیخواه را هم بلند کند و آنها را هم به حرکت درآورد، لازمه اینکار داشتن افقی وسیعتر و اتخاذ شعارهایی سراسری در دفاع از آزادی و رفاه برای مردم است. در چنین صورتی واقعا اول مه میتواند خیابانها مال کارگران باشد. این یک روز سمبلیک کارگری است نه روز قداره بندان خانه کارگر و استاندارها و فرماندارهای حکومت اسلامی، نه روز محبوب و جلودارزاده و امثالهم.

هفتگی: اساس رهنمودهای حزب به فعالین کارگری برای برپایی مراسمهای اول مه در ایران چه هستند؟

اصغر گرمی: تلاش برای به حرکت درآوردن توده هرچه وسیعتری از کارگران و خانواده های آنها، تلاش برای حفظ استقلال صفوف کارگری از نفوذ خانه کارگر و عناصر دولتی، تلاش برای طرح شعارها و مطالبات رادیکال و متحدکننده در صفوف جنبش کارگری، برداشتن پرچم آزادی و رفاه برای جلب توده هرچه وسیعتری از مردم به صفوف کارگران، ارائه قطعهنامه های مجامع عمومی کارگری در میتینگ های اول مه برای توفیق در این زمینه ها تشکیل مجامع عمومی کارگری را به همه فعالین کارگری توصیه میکنیم. برقراری

تماسهای نزدیک و فشرده میان محافل کارگری در مراکز مختلف و با واحدهای دیگر نیز یک بخش مهم کار است که امکان میدهد تا نیروی وسیعتری حول مطالبات و افق واحدی به حرکت درآید و تجمعات بزرگ در اول مه را تسهیل کند. تلاش ما این است که افق روشنی بر حرکت طبقه کارگر در اول مه بدهد.

هفتگی: درباره اشکال گوناگون مبارزات و نحوه برگزاری مراسمها در اول مه و نیز شعارهای کارگران در این روز حزب چه تاکیداتی دارد؟

اصغر گرمی: از مراسم و میتینگ و راهپیمایی تا تجمعات کوچکتر در محلات، اشکال مختلفی است که میتوان برگزار کرد. هرکدام از این اشکال نقاط قوت خود را دارد. در مراسم معمولا سخنرانی های مختلفی میشود، نمایشنامه هائی اجرا میشود و قطعهنامه هائی صادر میشود در حالیکه در راهپیمایی ممکن است این جنبه ها ضعیف تر باشد اما در عوض بدلیل شکل میلیتانت تر آن قدرت بسیج و تاثیرگذاری اش در محیط بیشتر است. شرکت کنندگان با سردادن شعار و حمل پلاکارد اعتراض خود را به شکل فاعلتری بیان میکنند و این اعتماد بنفس بیشتری به شرکت کنندگان در آن میدهد. به همین دلیل معمولا رژیم نیز حساسیت و سنجش بیشتری در مقابل آن دارد اما بهررو در شرایط کنونی قادر به جلوگیری از آن نیست. بنظر من مراسم که در بسیاری شهرها برگزار میشود شکل دفاعی تری است که به جنبش کارگری تحمیل شده است.

در مورد شعارها، کلا شعار علیه سرمایه داری، فقر، بیکاری و تبعیض، شعار در دفاع از آزادی و رفاه و برابری، در دفاع از حقوق پایه ای کارگران مانند آزادی بیان، تشکل و اعتصاب، اینها هم متحدکننده است و هم قدرت بسیج مردم محروم و آزادیخواه را دارد و مورد پشتیبانی وسیع مردم قرار میگیرد. کارگران هم باید صفوف خود را متحد نگاه دارند و هم پرچم آزادی و رهائی مردم را بلند کنند به همین دلیل صرف شعار در دفاع از مطالبات کارگری ضمن اینکه حیاتی است ولی کافی نیست. امروز شعارهای رادیکال قابلیت بسیج بالائی دارد، اینرا در تظاهراتهای معلمان شاهد بودیم.

تحولات مهمی در ایران در جریان است و جامعه تشنه حرفهای تازه و روشن، تشنه آزادی و رفاه، تشنه تغییرات عمیق و ریشه ای

از صفحه ۱

رابطه با آمریکا

فرمانبردارانه جمهوری اسلامی در ماه های اخیر در تایید بالا گرفتن فضای نرمش در برابر آمریکا در بین سران حکومت اسلامی است. بیست و یکی دو سال قبل همین "تابو شکنان" امروز و خط امامی های سابق، از دیوار سفارت بالا رفتند و شعار قدیمی ناسیونالیسم جهان سومی را در شکل "مرگ بر آمریکای جهانخواه، شیطان بزرگ" در دامن خمینی انداختند. وی اهمیت آترا بعنوان چماقی در سرکوب مردم انقلاب کرده سرعت دریافت. لذا خیل وسیعی از اوپاش اسلامی و جریاناتی مثل اکثریتی - توده ای ها پشت سر آقا و شعار مرگ بر آمریکا به خط شدند و شوراها کارگری، زنان بی حجاب و معترض، کمونیستها و انقلابیون، دانشجویان چپ و هرگونه عدالتجویی، تجدد طلبی و آزادیخواهی را مورد تعرض و سرکوب قرار دادند. در آن زمان آمریکا و بورژوازی غرب میتوانست گاز گرفتن های ضد آمریکایی جمهوری اسلامی را بر خدمات او در سرکوب انقلاب ۵۷ و ممانعت از گردش جامعه به چپ، آنهم در همسایگی شوروی، ببخشد. اما مرگ بر آمریکا یک شعار موقتی و یک نیاز زود گذر نبود. تبدیل به پرچم اسلام سیاسی شد که برای حفظ خود در قدرت و همچنین رشد سرطانی در منطقه ناگزیر دوز مصرف آترا می باید افزایش میداد. تا وقتی که امثال بن لادن و ملاعمر با ارتش شوروی میجنگیدند و کمربند سبز دور آن بسته بودند، غرب علیرغم همه ناهمخوانیها اسلام سیاسی را در کنار خود داشت. سقوط شوروی نقطه آغاز تغییر استراتژیک رابطه غرب و آمریکا با اسلام سیاسی بود. حالا همه چیز باید در "نظم نوین جهانی" مجددا تعریف میشد. اسلام سیاسی یکی از کمپ های ارتجاع بورژوازی بود که سهم خود را بویژه در کشورهای اسلام زده طلب کرد. شعار مرگ بر آمریکا و ضدیت با غرب، علاوه بر مصارف قبلی، معنی عملی تهدید



است. کارگران و فقط کارگران میتوانند پرچمدار این تغییر باشند. ۱۱ اردیبهشت (اول مه) امسال میتواند روزی تاریخی و نقطه عطفی در مبارزه مردم برای نجات از اوضاع فعلی باشد، میتواند جنبش آزادیخواهانه برای سرنگونی جمهوری

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

را بیش از پیش بهم میزند. بر این زمینه است که مذاکره با آمریکا معنایی بسیار فراتر از چهارچوب دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی می یابد. رابطه با آمریکا همچنین میزان الحارره موقعیت رژیم در مقابل مردم نیز هست. عمری مردم را با شعار "مرگ بر آمریکا" کوبیده اند، در غل و زنجیر حجاب کرده اند، به زندان انداخته اند، اعتصابات و مطالباتشان را در هم کوبیده اند و حال دست بر داشتن از آن و یا حتی هر گونه جرح و تعدیل و سازش در آن با تکانها بزرگ داخلی روبرو خواهد شد. برای مثال "تهاجم فرهنگی" که سالهاست از سوی مردم ایران و علیه حکومت اسلامی در جریان است را به توان هزار خواهد رساند. یک عقب نشینی و شکست سیاسی و ایدئولوژیک برای رژیم و فراخوان به پیشروی مردم علیه جمهوری اسلامی محسوب خواهد شد. آنهم مردمی که چهار پنج سال است برای تعیین تکلیف نهایی جمهوری اسلامی به میدان آمده اند.

برخی دوم خردادی ها برقراری و عادی سازی رابطه با آمریکا را با "جام زهری" که خمینی با قبول آتش بس در جنگ با عراق سر کشید، مقایسه میکنند. ولی هم ظرفیت بقاء جمهوری اسلامی برای تحمل چنین شوکرانی بشدت کاهش یافته و هم زهر محتوای این جام از آن قبلی به مراتب قوی تر است. (روز سه شنبه مشکینی رئیس مجلس خبرگان گفت: "می گویند ولی فقیه و حکومت ولایت نمی خواهیم و قصد سازش با آمریکا داریم. اینها مرض هایی است که پیدا شده. اگر به رهبری و قانون اساسی خدشه وارد شود دیگر نظام اسلامی پارچا نخواهد بود و چند روزی نمی گذرد که در خیابان ها جوی خون راه می افتد.") با اینهمه، جمهوری اسلامی با دستانی پر از ریشه جام را در دست گرفته، در اندیشه است که چشم ها را هم بگذارد و سر بکشد، آنهم به امید بقاء!! ■

یک
دنیای
بہتر
برنامه حزب
گمونیست کارگری

را بخوانید

از صفحه ۱

فرانسه علیه لوپن

که بعضی از روزنامه ها نیز نظر آنان را در انتخابات اخیر فرانسه منعکس کرده اند، گفته اند که تشخیص بین شیراک راست و ژوسپن چپ برایشان دیگر مقدور نیست. و عدم شرکت مردم در این انتخابات و موارد مشابه ناشی از بیتفاوت شدن آنان به انتخاب کسانی است که علیه منافع آنان عمل میکنند ولی قدرت عزل آنان را تا ۴ یا ۷ سال بعد ندارند. باوجود این راه یافتن لوپن فاشیست به دورم دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، حال با هر درصدی از رای، بر جامعه و مردم آزادیخواه فرانسه خیلی گران آمد.

میدیای کشورهای اروپائی در مورد این واقعه نیز بجای ذکر دلایل واقعی آن، مثل همیشه سعی کرده اند که مشکل را بجای دیگری پاس دهند. میگویند دولتهای این کشورها در این دوره بیشتر روی کمپین مربوط به کاهش جرائم جنائی خم شده بودند، در نتیجه از راست افراطی غافل مانده اند. اما واقعیت چیز دیگری است، آمار جنایت هر روز بالاتر میرود و اقتضاحات و ارتشاء مالی نیز همچنان در افزایش است. بروز مجدد فاشیسم، نژادپرستی، شوونیسم ملی، و قدرت گرفتن مذهب و غیره در حقیقت مشخصه این دوره، "نظم نوین جهانی"، و قبل از هرچیز حکم افلاس و کندیدگی نظام سرمایه داری است. برای حفظ این شالوده ارتجاعی، راست و چپ بورژوازی دست بدامان هم شده اند، بطوریکه برای مردم عادی از همدیگر قابل تشخیص نیستند. نیروی راست و محافظه کار، میدان را برای چپ خود، سوسیال دمکراسی، خالی کرده است که سیاست و طرحهای آن را در جامعه به اجرا در بیاورد.

هر دو، هم راست و هم چپ بورژوازی، دارند به فاشیسم و نژادپرستی و مذهب آوانس داده و به گسترش آن در جامعه میدان میدهند. لوپن پیروزی خود را قبل از هر چیز میلیون سیاستها و عملکردهای راست حزب سوسیالیست فرانسه و شخص ژوسپن و آوانسهای جناح راست آن به راست افراطی است. تلاشهای گاه و بیگاه احزاب راست افراطی برای به صحنه آمدن و دست بالاپیدا کردن در اروپا مدیون سیاست ضد پناهندگی، پس گرفتن دست آوردهای رفاهی و اجتماعی و امنیتی مردم این جوامع توسط جناحهای چپ و راست بورژوازی است. تونی بلر نخست وزیر بریتانیا و رهبر حزب کارگر انگیس میگوید "زویداد انتخاباتی

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

روز کارگر، یک فرصت دیگر برای ما

اسد گلچینی

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز کارگر، فرصتی است تا طبقه کارگر و همه محرومان در یک نمایش بزرگ و قدرتمند، صاحبان زور و زر را به مصاف بطلبند. این روز میتواند روز اعتراض صدها هزار کارگر و خانواده هایشان و مردم محروم باشد. روز کارگر باید کار تعطیل شود و به مصاف سرمایه داران و حکومت اسلامی رفت. همه چشم به این دوخته اند که در این روزها کارگران چقدر میتوانند بورژواها و دولت و دستگاه ها و بنگاه های پخش فریب را وادار به برسمیت شناختن حقوق مردم محروم و ستمدیده کنند و یک قدم جدی دیگر آنها را بعقب برانند.

سال گذشته از هیچ جنایت و فریبی دریغ نکرده اند. روز کارگر امسال و در شرایط سیاسی کنونی در ایران و کشمکش که مردم برای بگور سپردن این رژیم دارند، میتواند به روزی تبدیل شود که کارگران اعلام کنند سرمایه داری عامل فقر و بیکاری است و زنده باد آزادی و رفاه و برابری.

چند روز بیشتر به روز کارگر باقی نمانده است. کارگران دارند خود را آماده میکنند که در همه اشکالی که ممکن شود این روز را به روز اعتراض و ناراضی طبقه کارگر علیه سرمایه داری تبدیل کنند. اتفاقاً در همین روزها تحرک وسیعی هم در میان معلمان و بیکاران وجود دارد. این هم امکان بسیار مناسبی برای کارگران معلمان و بیکاران است که در صفی متحد در برابر حکومت و سرمایه داران قرار بگیرند. کشمکش تندی که این روزها از هر دو طرف در جریان است را باید رهبران و فعالین رادیکال به نفع خود بتوانند مورد استفاده قرار دهند و صفوف معترض کارگران و معلمان و بیکاران را برای این رویارویی، منسجم و محکم کنند. این فرصت بمراتب بهتری برای این صف عدالت خواه و آزادیخواه است که در روز کارگر بار دیگر گلولی رژیم رابفشارند.

حکومت اسلامی در تنگنایی قرار گرفته است که بهر سو چنگ میزند تا خود را نجات دهد و این حاصل مبارزه و رودرویی مردمی است که دیگر حکم مرگ این رژیم را بارها صادر کرده اند. اول ماه مه

روز دیگری است که میتوان ضربه کوبنده دیگری به این حکومت وارد کرد و خواستههای اضافه دستمزد و بیمه بیکاری برای همه بیکاران و اخراج شدگان و آزادی تشکل و اعتصاب را طلب کرد و حکومت اسلامی را وادار به گردن نهادن به آن نمود.

زنان و مردان کارگر در پالایشگاه های نفت و گاز، در صنایع لوله سازی و ذوب آهن، در همه کارخانه های خودرو سازی، در همه کارگاه های کوچک و بزرگ در حفاری، در جامکو و شادان پور و چیت و .. همه و همه همراه خانواده هایشان با دستمزد هایی که ماهانه تنها خرج یک ساعت زندگی سرمایه داران است زندگی میکنند و تازه به خیلی ها هم بعد از چندین ماه این را پرداخت نمیکند و میلیونها نفر هم بیکار هستند. بسیاری هم به خود فروشی و اعتیاد پرتاب میشوند. چند روز پیش سخنگوی دولت آب پاکی روی دست معلمان ریخت و به آنها گفت که توقع هیچ چیز دیگری نداشته باشند، و بیشتر از همان ۱۵ در صد چیزی نخواهد داد و مشکل مسکن هم موکول به آینده! شد. مجلس هم طرح مزایا به بیکاران را رد کرد و میلیونها بیکار دیدند که مجلس اسلامی نمیخواهد یک ریال از سود و سرمایه سرمایه داران و دولت کم شود. اینها پیام دولت و سرمایه داران به کارگران و معلمان و بیکاران است. در این روزها، اینها خیلی صریح حرف خود را زدند. در روز کارگر نوبت ماست که پاسخ آنها را بدهیم. ■

روز اول مه، مارکس را به خیابانها بیاوریم!

اول مه روز همبستگی جهانی کارگری، روز اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر است. در اول مه، باید این حقیقت را فریاد زد که جامعه موجود بر پایه استثمار طبقاتی بنا شده و بر پاشنه تحمیل هر روزه بردگی مزدی بر طبقه کارگر می چرخد، باید فریاد زد که تا استثمار طبقاتی و بردگی مزدی برچیده نشود، اکثریت عظیم انسانها روی خوش نخواهند دید و از حاصل تلاش خود نخواهند آسود. این حقیقت را مارکس با نقد عمیق جامعه معاصر، به بشریت آموخته است. بشریت امروز بیش از همیشه به مارکس، به آموزش های مارکس، به کمونیسم مارکس نیاز دارد. در اول مه، مارکس را باید به خیابانها آورد.

اعتصاب بزرگ کارگران در ایتالیا، تازه ترین نشانه این حقیقت تاریخی است که نیروی مادی تغییر این جامعه وارونه، طبقه کارگر است، برچیدن این نظام اسارتبار و بنا کردن یک دنیای بهتر کار طبقه کارگر است. برای تحقق این دگرگونی عظیم، کارگران نیازمند کسب یک خودآگاهی عمیق اجتماعی و تاریخی، نیازمند متحد کردن صفوف خود و نیازمند درک امکاناتی هستند که برای تحول جامعه موجود، وجود دارد. در اول مه، باید پرچم این خودآگاهی و این اتحاد طبقاتی را برافراشت. باید پرچم مارکس را برافراشت. در اول مه، مارکس باید دوباره به خیابانها برگردد. این کلید پیشروی طبقه کارگر است.

در اول مه امسال، در خیابانهای پاریس، برلین، لندن، رم، پترزبورگ، استکهلم پرچم مارکس را به اهتزاز در آوریم و مارکس را به خیابانها بیاوریم.

زنده باد اول مه!

زنده باد پرچم مارکس!

زنده باد کمونیسم کارگری!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آوریل ۲۰۰۲

اعتراضات کارگری در آستانه اول مه

در روزهای اخیر خیابانهای تهران و کرج شاهد تظاهراتها و اعتراضات کارگران بود. کارگران جهان چیت برای چندمین بار دست به اعتراض زدند و با مسدود کردن یکی از خیابانهای اصلی کرج علیه تعویق دستمزدهای خود به تظاهرات پرداختند. این حرکت کارگران جهان چیت با هجوم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی پایان یافت. همچنین کارگران جامکو و کارخانه چیت ری در ادامه مبارزات خود علیه بیکارسازی و تعویق دستمزدها

اجتماعات و تظاهراتی بر پا کردند. همچنین صدها راننده کامیونهای حمل قیر در اعتراض به توقف کار خویش در برابر پالایشگاه تهران دست به اعتراض زدند. در رشت نیز کارگران کارخانه چوکا بمدت چهار روز دست به اعتصاب غذا زدند. کارگران چوکا به پایین بودن سطح دستمزدها و زدن مزایای خود اعتراض داشتند. این اعتراضات بهمراه سایر اعتراضات کارگری و جنب و جوش گسترده در بین معلمان برای تدارک

حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی 001 647 885 2485
کوروش مدرسی رئیس دفتر سیاسی 0044 774 863 0833
اصغر کریمی 0044-771 4097928
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 00447815902237
رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان حزب: 0046-739 855 837
اسد گلچینی - دبیر تشکیلات کل کشور 0044 7940 416 768
شهلا دانشفر: دفتر مرکزی حزب 00447950517465
بهرام مدرسی - دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست: 0049174 944 0201

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kwvpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England